

گزارش

«ناوگان سایه» فروش نفت

ایران، چین و روسیه چطور با تحریم‌های آمریکا مقابله می‌کنند؟

در سال‌های اخیر تحریم‌های یک یا چند جانبه غربی علیه بخش انرژی ایران، که به عنوان پایه اصلی اقتصاد کشور عمل می‌کند، چالش‌های متعددی برای کشور ایجاد کرده است. این محدودیت‌ها، که عمدتاً توسط «اوپک» (دفتر کنترل دارایی‌های خارجی وزارت خزانه‌داری آمریکا) اعمال شده، به دنبال فلج کردن صادرات نفت و کاهش درآمد‌های ارزی ایران است، اما تهران با استراتژی‌های هوشمندانه و دیپلماسی اقتصادی یوپا، توانسته این فشارها را خنثی کند. ایجاد شبکه‌ای پیچیده برای دور زدن تحریم‌ها، با تمرکز بر همکاری با قدرت‌های شرقی مانند چین یکی از دستاوردهای این دوره است. این همکاری‌ها نه تنها شریان صادرات نفت را حفظ کرده، بلکه آن را به سطوحی بالاتر از دوران پیش از تحریم‌های حداکثری رسانده است. مسکو و پکن به عنوان شرکای استراتژیک، با مقاومت در برابر فشارهای یک جانبه غرب، زمینه‌ای برای تجارت امن فراهم آورده‌اند. این شبکه شامل روش‌های نوین حمل و نقل، پرداخت‌های غیر دلاری و توافق‌های بلندمدت است که ریسک‌های تحریم را به حداقل می‌رساند. این دستاورد نشان‌دهنده تغییر جهت‌گیری سیاست خارجی ایران به سمت شرق است، جایی که بازارهای آسیایی و اوراسیایی جایگزین بازارهای غربی شده‌اند.

چین؛ خریدار اصلی

پکن به عنوان بزرگ‌ترین واردکننده نفت جهان، نقش محوری در این شبکه ایفا می‌کند و بیش از ۹۰ درصد صادرات نفت ایران را جذب کرده است. در سال جاری میلادی واردات چین از نفت ایران به رکورد‌های بی‌سابقه‌ای رسیده، به طوری که در ۱۰ ماه نخست سال، بیش از ۵۷ میلیون تن نفت ایرانی وارد شده است. متوسط صادرات روزانه ایران به چین حدود ۱.۵ تا ۱.۸ میلیون بشکه بوده، اما در ماه‌هایی مانند سپتامبر و اکتبر، این رقم به بیش از ۱.۹ میلیون و حتی ۲.۱۵ میلیون بشکه در روز رسیده است. این حجم بالا علی‌رغم تشدید تحریم‌ها، ناشی از تقاضای پایدار با لاینگ‌های مستقل چینی، معروف به تی‌پات‌ها و تخفیف‌های رقابتی ارائه‌شده توسط ایران است. علاوه بر این توافق‌های بلندمدت انرژی بین دو کشور، مانند پیمان‌های استراتژیک در چارچوب ابتکار کریمند و جاده، این همکاری را تقویت کرده است. پکن با استفاده از ارز یوان برای پرداخت‌ها، ریسک تحریم‌های بانکی را کاهش داده و تجارت را تسهیل کرده است. این رویکرد نه تنها به ایران کمک کرد تا درآمد‌های ارزی خود را حفظ کند، بلکه به چین امکان دسترسی به منابع انرژی ارزان و پایدار را فراهم آورده است. در نتیجه این شراکت دوجانبه، تحریم‌های غربی را بی‌اثر کرده و نشان‌دهنده همکاری اقتصادی بین دو قدرت آسیایی است. این همکاری به ایران اجازه داده تا بازارهای جدیدی در آسیا باز کند و وابستگی به مسیرهای سنتی صادرات را کاهش دهد. با ادامه این روند، انتظار می‌رود حجم تجارت نفتی بین تهران – پکن در سال‌های آینده افزایش یابد و پایه‌ای برای روابط اقتصادی عمیق‌تر شود.

دارک فلیت چیست؟

یکی از ابزارهای کلیدی در این شبکه، گسترش ناوگان سایه یا «دارک فلیت» است که ایران آن را به سطوح پیشرفته‌ای رسانده است. این ناوگان، که شامل بیش از ۱۷۰ کشتی با ظرفیت مجموع ۲.۴ میلیون تن وزن مرده است، از جمله ۸۶ نفتکش بسیار بزرگ، امکان حمل و نقل امن نفت را فراهم می‌کند. بسیاری از این کشتی‌ها پرچم کشورهای ثالث را برافراشته‌اند، سیستم‌های ردیابی را خاموش می‌کنند و از روش‌های انتقال «کشتی به کشتی» در آب‌های بین‌المللی استفاده می‌کنند. این تکنیک‌ها، همراه با استفاده از بنادر واسط در کشورهای غربی، دوس، و ریسک شناسایی و توقیف توسط نیروهای غربی را به حداقل می‌رساند. هم‌اکنون بهره‌برداری از این ناوگان به بیش از ۵۸ درصد رسیده که بالاترین سطح در پنج سال اخیر است و نشان‌دهنده کارایی بالای آن است. پرداخت‌های غیر دلاری، مانند استفاده از یوان با ارزهای ملی، این شبکه را تکمیل کرده و از تحریم‌های مالی جلوگیری می‌کند. همچنین ایران تجربیات خود در مدیریت این ناوگان را با شرکای مانند روسیه به اشتراک گذاشته، که این همکاری را تقویت کرده است.

چین سرنوشتی تهران- مسکو

«کاخ کرملین» به عنوان شریک دیگر نقش مکمل و استراتژیکی در این شبکه ایفا می‌کند و همکاری دو کشور در دور زدن تحریم‌ها را به سطح جدیدی رسانده است. هر دو کشور از روش‌های مشابه ناوگان سایه بهره می‌برند و تبادل تجربیات در این زمینه، کارایی را افزایش داده است. تجارت دوجانبه با ارزهای ملی مانند ریال و روبل گسترش یافته و پیمان‌های استراتژیک در چارچوب سازمان‌هایی مانند بریکس و شانگهای، زمینه همکاری انرژی را فراهم کرده است. اگرچه حجم مستقیم خرید نفت ایران توسط روسیه کمتر است، اما هم‌افزایی در بازارهای جهانی، مانند صادرات مشترک به کشورهای آسیایی، فشار تحریم‌ها را خنثی کرده است. اخیراً روسیه و ایران نقشه راهی برای همکاری نفت و گاز تدوین کرده‌اند که شامل دور زدن تحریم‌ها از طریق مسیرهای جدید حمل و نقل و پرداخت‌های غیر دلاری است. این همکاری نه تنها به تهران کمک کرده تا بازارهای جدیدی پیدا کند، بلکه به روسیه امکان دسترسی به فناوری‌های ایرانی در استخراج نفت را فراهم آورده است. علاوه بر این تحریم‌های مشترک علیه هر دو کشور، آنها را به سمت اتحاد نزدیک‌تر سوق داده و الگویی برای مقاومت جمعی در برابر غرب ایجاد کرده است. در نهایت این دستاورد نتیجه نگاه استراتژیک به شرق است. این شبکه با ابزارهایی مانند ناوگان سایه و پرداخت‌های غیر دلاری، پایداری اقتصادی را تضمین کرده و فرصت‌های جدیدی برای رشد ایجاد کرده است. با ادامه این همکاری‌ها، ایران می‌تواند نقش محوری در بازار انرژی آسیا ایفا کند و درآمد‌های ارزی خود را افزایش دهد.

دکتر ابراهیم فیاض در گفت‌وگو با «آرمان ملی»:

ایران باید برای

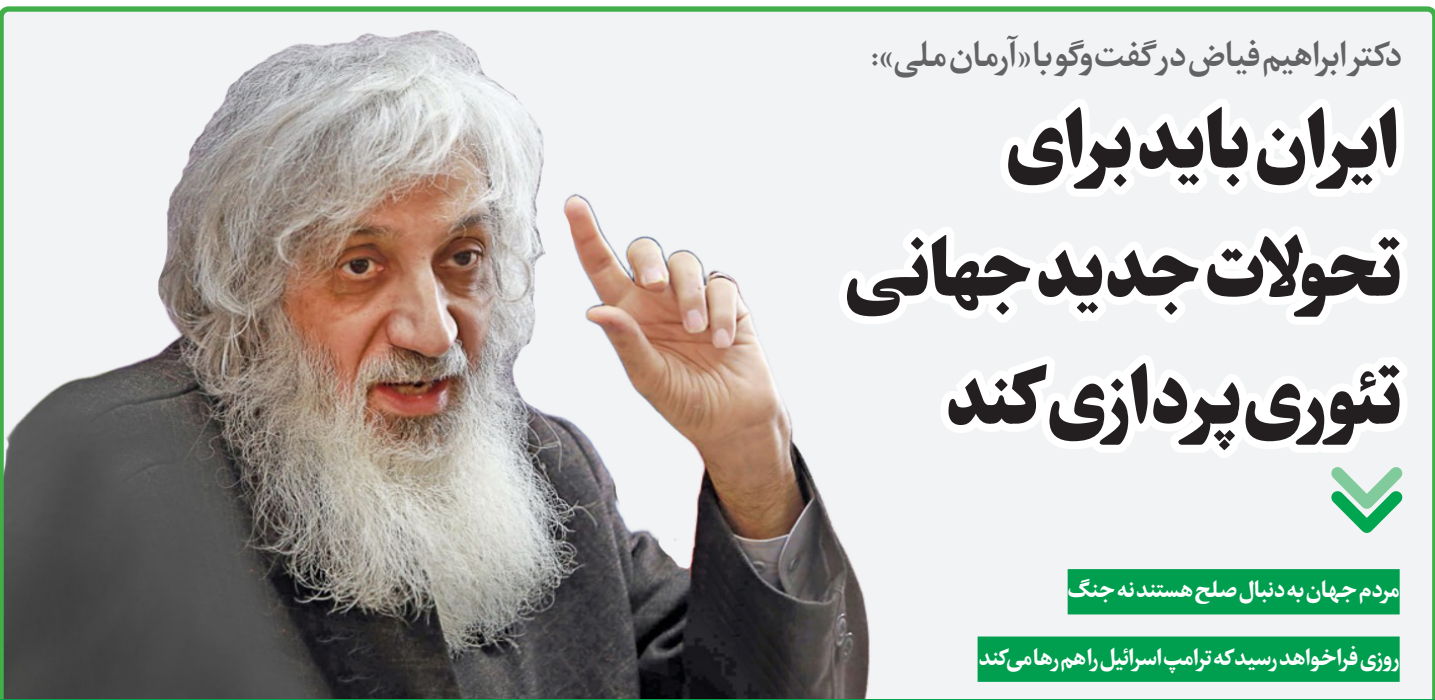
تحولات جدید جهانی

تئوری پردازی کند



مردم جهان به دنبال صلح هستند نه جنگ

روزی فرا خواهد رسید که ترامپ اسرائیل را هم رها می‌کند



آرمان ملی- احسان انصاری: «برخی از گروه‌های بنیادگرا دنبال جنگ با دشمن توهمی و خیالی خود هستند. این گروه‌ها در ذهن خود دشمن تراشی می‌کنند و سپس برای جنگ با آنها برنامه ریزی می‌کنند. ترامپ نیز به دنبال چنین رویکردی است. تئوری‌های گذشته از بین رفته و به تاریخ اندیشه پیوسته است. امروز تحولات جهانی با تئوری‌های جدیدی مواجه شده است که مناسبات بین‌المللی را دستخوش تغییر قرار داده است. به همین دلیل اگر ایران می‌خواهد در این

تحولات جهانی نقش پررنگی داشته باشد باید برای تحولات جدید تئوری پردازی کند و با تئوری‌های خاص تأثیرگذاری خود را نشان بدهد». جملات ذکر شده اظهارات دکتر ابراهیم فیاض، جامعه‌شناس دربارۀ روند تحولات جهانی با محوریت ترامپ در گفت‌وگو با «آرمان ملی» است. فیاض در این گفت‌وگو به مهم‌ترین پیامدهای تلاش ترامپ برای درگیری با مخالفان همیشگی آمریکا اشاره می‌کند که در ادامه می‌خوانید.

ساده روی کار آمد اما در پایان دوران ریاست جمهوری اش به یک رویکرد سرمایه‌داری رسیده بود که از بسیاری از نمادهای سرمایه‌داری هم بزرگ‌تر شده بود. فاشیسم در هر نوعش شکست خورده است. آن چیزی که در آینده در جوامع مختلف مورد توجه قرار خواهد گرفت سوسیالیسم عرفی و مردمی و نه سوسیالیسم حزبی و ایدئولوژیک خواهد بود. در چنین شرایطی دیگر مردم همه سلاح‌ها را کنار می‌گذارند و دلیلی برای جنگ در جهان وجود ندارد. واقعیت این است که امروز انسان سوزۀ محور ایدئولوژیک جنگ طلب جای خود را به مردم صلح طلب و مخالف با جنگ داده است. در چنین شرایطی است که ترامپ به دنبال تغییر معادلات جهانی به سود خود همراه با تنش و درگیری است.

چرا برخلاف قرن نوزدهم و بیستم که تحولات جهانی مبتنی بر تغییرات فکری و جریان‌های فکری بود امروز تحولات جهانی با محوریت اقتصاد جهانی اتفاق می‌افتد؟

امروز عقل نظری سوزۀ محور فیلسوف‌آبانه از بین رفته است. در دوران پست مدرن دیگر فلسفه‌ای وجود ندارد. در دست مدرنیسم ما با مقوله بینامتنیت و بینادذهنیت مواجه هستیم. در بینادذهنیت این مسأله مطرح است که مردم چگونه زندگی می‌کنند. در اینجا دیگر مردم سوزۀ محور نیستند و با مشورت و خرد جمعی که عمدتاً نیز در شبکه‌های اجتماعی رخ می‌دهد تصمیم‌گیری می‌کنند. شبکه‌های اجتماعی زمینه‌برقراری دیالوگ بین مردم را ایجاد کرده‌اند. دیگر دوران مونولوگ و سخنرانی‌های ایدئولوژیک یک طرفه در امثال صداسیما به پایان رسیده است. در چنین شرایطی دوران دیکتاتوری‌ها نیز به پایان رسیده است. امروز محوریت تحولات جهانی بر فرمول «مردم مایه مردم» متکی است. به همین دلیل نیز گروه‌های اجتماعی در آمریکا همواره با جنگ مخالف هستند و اعتراض خود را به شکل‌های مختلف نشان می‌دهند. این رویکرد به معنای این است که مردم کشور جنگ طلبی مانند آمریکا که در اغلب جنگ‌ها نقش داشته امروز مانعی برای جنگ طلبی دولت خود به شمار می‌روند. به نظر می‌رسد حکمت که بر اساس عقل میان فرهنگی عمل می‌کند می‌تواند مبنای جهان آینده باشد. امروز جهان به یک صلح جهانی نیاز دارد. این در حالی است که در چنین شرایطی برخی از بمب‌اتم و جنگ اتمی سخن می‌گویند که مسخره است.

ایران در مسیر تحولات جهانی و داخلی در چه مسیری قرار خواهد گرفت؟

واقعیت این است که در شرایط کنونی برخی از گروه‌های بنیادگرا دنبال جنگ با دشمن توهمی و خیالی خود هستند. این گروه‌ها در ذهن خود دشمن تراشی می‌کنند و سپس برای جنگ با آنها برنامه ریزی می‌کنند. ترامپ نیز به دنبال چنین رویکردی است. تئوری‌های گذشته از بین رفته و به تاریخ اندیشه پیوسته است. امروز تحولات جهانی با تئوری‌های جدیدی مواجه شده است که مناسبات بین‌المللی را دستخوش تغییر قرار داده است. به همین دلیل اگر ایران می‌خواهد در این تحولات جهانی نقش پررنگی داشته باشد باید برای تحولات جدید تئوری پردازی کند و با تئوری‌های خاص تأثیرگذاری خود را نشان بدهد.

آمریکا به این نتیجه رسید که روند جهانی شدن که مبدع آن بود در نهایت به ضررش تمام شده و کشورهایمانند چین از این فرصت استفاده کرده و سرمایه‌های جهانی را به سود خود استفاده می‌کنند

واکنش قدرت‌های دیگر جهانی مانند کشورهای اروپایی نسبت به این تحولات به چه صورت بوده است؟

اروپا همواره مظهر سوسیالیسم بوده است. این در حالی است که در سال‌های اخیر احزاب راست زیادی در کشورهای اروپایی به قدرت رسیده‌اند. امروز اروپا بین سوسیالیسم و فاشیسم درگیر شده و این جنگ حتی به آمریکا نیز کشیده شده است. به عنوان مثال بایی سندرز به عنوان یک سوسیالیسم یکی از منتقدان جدی دولت فاشیستی ترامپ در آمریکا است. از سوی دیگر وضعیت مکرون در فرانسه نیز متزلزل است و چه بسا پس از دوران ریاست جمهوری وی احزاب راست افراطی در فرانسه به قدرت برسند که با سیاست‌های ترامپ همسویی بیشتری از خود نشان بدهند. امروز دوران لیبرالیسم و جهانی شدن به پایان رسیده و همه کشورها به دنبال اتکا به سرمایه‌های داخلی خود و پیشرفت ملی هستند.

چه آلترناتیو برای روند جهانی شدن قائل هستید؟ پارادایم غالب جهان پس از بازگشت کشورها به درون خود چه خواهد بود؟

آلمان‌ها به دنبال بسط دادن یک نوع عقل میان فرهنگی هستند. به همین دلیل نیز به جای فلسفه و عرفان مقوله حکمت را مطرح می‌کنند. این عقل میان فرهنگی انسان و سوزۀ را به مقوله مردم تغییر می‌دهد. دولت‌های فاشیستی مانند ترامپ همواره حالتی متزلزل دارند. این دولت‌ها در ابتدا با محوریت عدالت روی کار می‌آیند اما در پایان به یک نوع سرمایه‌داری وحشتناک می‌رسند. این وضعیت در ایران در دوران احمدی‌نژاد نیز به وجود آمد. احمدی‌نژاد در ابتدا با شعار عدالت و یک کاپشن

احمدی‌نژاد در ابتدا با شعار عدالت و یک کاپشن ساده روی کار آمد اما در پایان دوران ریاست جمهوری اش به یک رویکرد سرمایه‌داری رسیده بود که از بسیاری از نمادهای سرمایه‌داری هم بزرگ‌تر شده بود

اسماعیل گرامی مقدم:

اصلاح طلبان در دو نوبت راهکارهای عملی خود را تقدیم رئیس جمهور کردند

باید به این نهاد‌های اقتصادی غیردولتی و سرمایه‌های انباشته و نقدینگی‌های موجود توجه کرد. اگر راست می‌گویید و طرف مقابل تئوریک سیاسی یا مدیریتی ندارد و وفای به همین دلیل فکری کنیم فرجام خوشایندی نخواهد داشت و به همین شکل هم شد. گرمای مقدم تصریح کرد: آقای رئیس جمهور ویژگی‌هایی دارند، از جمله این که گاهی تک‌روی می‌کنند. همین نکته‌ای که در این جلسه گفتند: که «من کاری به تئوری‌ها و نظریه‌ها ندارم»، اتفاقاً اشکال اساسی و پاشنه آشیل هر دولتی می‌تواند باشد. دولت‌ها برای اینکه برنامه‌هایشان را پیش ببرند، از تئوری‌ها و نظریه‌های علمی استفاده می‌کنند. نمی‌شود که رئیس جمهور صرفاً بر تشخیص شخصی خودش اقدامی را انجام دهد. حتی یکی از اصلاح طلبان پیشنهاد کرد که منبع این ترمیم روشن است، وقتی می‌گویید وفای،

جریان اصلاح طلب چنین مشی را نمی‌پذیرد و در راستای اصلاح طلبی، دست به انتقاد هم می‌زند. در این جلسه هم به همین دلیل، کسانی که از اصلاح طلبان صحبت کردند، اکثراً به نقاط کاستی‌های دولت و رئیس جمهور پرداختند.

وی افزود: یک نکته دیگر این است که در رابطه با وفای، اساساً از قبل مشخص بود که وفای برای این بود که به جای همراهان رئیس جمهور، مخالفین رئیس جمهور که در کمپین رقیب بودند، وارد و سکاندار بسیاری از پست‌های کلیدی در استان‌ها و سطوح ملی شدند. این از اول روشن بود که این نوع تفکر رفتی که با دولت و رئیس جمهور همراهی نداشته باشد، قاعداً ناکام خواهد بود. ناکامی‌هایی که در حوزه‌های مختلف می‌بینیم و در این یک سال و اندی شاهد بودیم، همه ناشی از عملکرد دولت وفای بوده

سخنگوی حزب اعتماد ملی در این خصوص که چرا از نظر اصلاح طلبان، ایده وفای نتیجه‌بخش نبوده است اظهار داشت: یکی از دلایل اینجکه اصلاح طلبان انتقاد کردند و می‌کنند این است که اساساً ذات اصلاح طلبی مبتنی بر انتقاد است، چه رئیس جمهور از خودی‌ها باشد و چه از جناح مقابل. اصلاح طلبان هیچ تعارفی با هیچ رئیس جمهوری، به ویژه رئیس جمهوری که منتسب به خودشان است، ندارند و برای اصلاح امور، هر جا که تشخیص دهند باید انتقاد کنند. اسماعیل گرامی مقدم گفت: بنابراین اصلاح طلبان ضعف‌ها، نقص‌ها و کاستی‌ها را بدون هیچ تعارفی مطرح می‌کنند و این یکی از ویژگی‌های بارز اصلاح طلبان نسبت به جناح مقابل است. جناح مقابل، مثلاً در برابر عملکرد ضد منافع مردمی و ملی آقای احمدی‌نژاد، سکوت کرده بود، اما

یادداشت

پیامدهای راهبرد جدید آمریکا



سید کارمان یگانگی

بزرگ‌شگر علوم شناختی

تحولات ژئوپلیتیک سال‌های اخیر در خاورمیانه نشان می‌دهد که این منطقه در آستانه بازتعریف جایگاه خود در نظم بین‌المللی قرار گرفته است. سند «راهبرد امنیت ملی ایالات متحده-نوامبر ۲۰۲۵» یکی از روشن‌ترین نشانه‌های این تغییر زاویه دید است؛ سندی که برخلاف رویکردهای کلاسیک واشینگتن، خاورمیانه را نه صرفاً به عنوان محور امنیت انرژی، بلکه به مثابه عرصه‌ای نو ظهور برای سرمایه‌گذاری، فناوری‌های پیشرفته و مهندسی نظم جدید منطقه‌ای بازتعریف می‌کند. اهمیت این چرخش زمانی برجسته می‌شود که به نیم قرن گذشته بنگریم؛ دوره‌ای که در آن، امنیت ملی آمریکا به‌طور ساختاری با امنیت انرژی خلیج فارس گره خورده بود. اکنون اما در این سند، برای نخستین بار به صراحت تأکید می‌شود که انرژی خاورمیانه دیگر محرک اصلی سیاست امنیت ملی ایالات متحده نیست و نقش منطقه در چارچوبی اقتصادی-فناورانه بازتعریف می‌شود. این تغییر پارادایم، پیامدهای مستقیم و غیرمستقیمی برای ایران دارد؛ کشوری که بخش مهمی از نقش و جایگاه خود را بر پایه‌ی ژئوپلیتیک انرژی، موقعیت ترانزیتی و توان اثرگذاری بر معادلات امنیتی و سیاسی خاورمیانه بنا کرده است. پرسش اصلی این یادداشت آن است که راهبرد جدید آمریکا در قبال منطقه، چگونه «جایگاه انرژی و امنیت» را در خاورمیانه دگرگون می‌کند و این دگرگونی چه معنا و پیامدی برای راهبرد ملی ایران خواهد داشت؟ بر اساس بخش خاورمیانه سند راهبرد امنیت ملی آمریکا (صفحه ۲۸)، واشینگتن تصریح می‌کند که امروز یک صادرکننده انرژی است و از این رو نیاز راهبردی آن به نفت خاورمیانه کاهش یافته است. سندهمچنین تأکید می‌کند که انرژی دیگر محرک اصلی سیاست آمریکا در منطقه نیست و خاورمیانه روزبه‌روز «عرصه‌ای برای همکاری اقتصادی، سرمایه‌گذاری و فناوری» تلقی می‌شود. این تغییر، صرفاً یک تعدیل تاکتیکی نیست؛ بلکه نقطه پایانی یک دوره تاریخی است که از دگرگونی کارتر (۱۹۸۰) تا دهه ۲۰۱۰، امنیت انرژی خلیج فارس را در کانون راهبرد آمریکا قرار داده بود. با دگرگونی نقش انرژی در راهبرد جدید واشنگتن، پیامدهای مهمی برای ایران قابل پیش‌بینی است: نخست، کاهش وابستگی آمریکا به نفت خاورمیانه، که از وزن استراتژی آمریکا برای حضور نظامی گسترده در منطقه می‌کاهد. این دگرگونی می‌تواند فضای ناموزن ژئوپلیتیک ایران را در برخی حوزه‌ها افزایش دهد. دوم، تغییر ماهیت امنیت دریایی از یک موضوع «جهانی» به یک موضوع «منطقه‌ای» با علق نشینی درجهی آمریکا از نقش پلیس انرژی، اهمیت تأمین امنیت مسیرهای شستیرانی به ویژه در تنگه هرمز بیش از پیش بر دوش کشورهای منطقه قرار می‌گیرد. برای ایران، این روند هم فرصت (افزایش نقش در معمار امنیت دریایی) و هم ریسک (افزایش ائتلاف‌های خلیج فارس به بازنگران منطقه‌ای؛ راهبرد آمریکا نشان می‌دهد که مدیریت امنیت منطقه‌ای به جای اتکا به مداخله مستقیم آمریکا، به نظام امنیتی چندجانبه منطقه‌ای منتقل می‌شود؛ روندی که ایران باید برای آن سناریوهای جایگزین تعریف کند چه برای مشارکت، چه برای بازدارندگی. این تغییر همچنین در هم‌نشینی با اولویت‌های رقابت راهبردی آمریکا با چین و تمرکز واشنگتن بر هند-اقیانوس آرام قابل فهم است؛ وضعیتی که خاورمیانه را از یک نقطه حساس انرژی به یک پرورنده کم‌اولویت‌تر امنیتی تبدیل می‌کند. سند، صفحه ۲۸، خاورمیانه نه صرفاً یک منبع انرژی، بلکه یک عرصه مظهر و ظهور برای توسعه فناوری‌های پیشرفته، صنایع غیرنفتی و پروژه‌های سرمایه‌گذاری بلندمدت توصیف شده است. این نگاه، نشان‌دهنده یک تغییر پارادایمی عمیق در برداشت راهبردی واشنگتن از منطقه است: اگر در دهه‌های گذشته نفت و گاز تعیین‌کننده جهت‌گیری سیاست‌ها و ائتلاف‌های منطقه‌ای بودند، امروز اقتصادهای دانش‌بنیان، زیرساخت‌های دیجیتال، انرژی‌های نوو فناوری دفاعی محروهای اصلی رقابت قدرت‌ها در خاورمیانه تلقی می‌شوند. این تحول، پیامدهای مهمی برای ایران دارد؛ به ویژه آنکه بخش قابل توجهی از درآمد دولت همچنان بر پایه صادرات نفت خام است. در نتیجه، به‌موازات حرکت جهان به سوی انرژی‌های پاک و کاهش سهم نفت در سبد جهانی، اتکای ایران به درآمد نفتی، نه تنها پایداری ندارد بلکه قدرت چانه‌زنی منطقه‌ای را نیز در بلندمدت تضعیف می‌کند. در صفحات ۲۸ و ۲۹، ایالات متحده روایت تازه‌ای از موقعیت ایران در معادلات منطقه‌ای ارائه می‌دهد؛ روایتی که ایران را نه یک تهدید ساختاری، بلکه «چالشی قابل مدیریت» برای معمار امنیتی خاورمیانه معرفی می‌کند. این تغییر، در مقام یک چارچوب تحلیلی، تفاوتی بنیادین با اسناد امنیت ملی گذشته دارد که ایران را یک بازیگر بی‌ثبات‌کننده با ظرفیت‌های فراینده تهدیدآمیز تلقی می‌کردند. در بخشی از سند اشاره می‌شود که ایران پس از تحولات و درگیری‌های سال‌های اخیر عملیات‌های اسرائیل در ۲۰۲۳ و عملیات «چکش نیمه‌شب» آمریکا در ۲۰۲۵ در موقعیتی قرار گرفته که به‌زعم واشنگتن، توان بی‌ثبات‌کننده آن محدود شده است. ذکر این موارد در سند، به‌خودی خود نشان‌دهنده تغییر در درک راهبردی آمریکا است؛ ایران دیگر در مرکز محاسبات امنیت انرژی و مداخله‌گری نظامی قرار ندارد.